

# قمه زنی و اعمال نامتعارف در عزاداری

محمدتقی اکبرنژاد

فصل نامه فقه اهل بیت، ش ۴۸، زمستان ۸۵



**چکیده:** نویسنده به قصد اصلاح نحوه عزاداری بر سالار شهیدان علیه السلام، به بررسی اعمالی همچون قمه زنی، لطمه بر صورت، چاک زدن گریبان، کندن مو و مانند آن پرداخته و بدون تفکیک قمه زنی از بقیه مصادیق جزع و بدون ورود به اقسام جزع و احکام هر یک و با اعتماد به این که این گونه اعمال نامتعارف و خلاف مناهات هستند و راه اسلام صبر است، نه جزع و فزع، بر این باور است که این گونه اعمال در عزاداری امام حسین علیه السلام سزاوار نیستند و در روایات هم هیچ توصیه ای غیر از گریه بر حضرت سیدالشهدا نشده است.

## فصل اول: حکم اولی قمه زنی و مانند آن

روایات موجود در این زمینه به سه بخش اصلی تقسیم می شوند:

الف) روایاتی که دلالت بر ثواب گریه کردن دارند و آن را توصیه کرده اند.

ب) روایاتی که دلالت بر تحریم این گونه اعمال دارند.

ج) روایاتی که دلالت بر جواز برخی از اعمال مشابه در خصوص معصومین علیهم السلام دارند.

بخش اول: روایاتی که به گریه کردن تشویق کرده اند

این دسته از روایات که متواتر هستند، در تمام منابع حدیثی به وفور یافت می شوند که

اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «محرّم ماهی بود که اعراب جاهلی حرمت آن را نگه می داشتند و

جنگ نمی کردند. اما در این ماه بود که خون ما را حلال شمردند و حرمت ما را شکستند و

ششگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فرزندان و زنانمان را به اسیری بردند و خیمه‌هایمان را به آتش کشیدند و دارایی‌هایمان را غارت کردند و حرمت رسول خدا را در مورد ما نگه نداشتند. همانا روز حسین (عاشوراء) مژه‌های ما را از شدت گریستن مجروح ساخت و اشک‌هایمان را جاری کرد و عزیز ما را در سرزمین گرفتاری و بلا ذلیل کرد و ما را میراث‌دار گرفتاری و بلا تا روز انقضاء (مرگ) نمود، پس بر مثل حسین، گریه‌کنندگان باید گریه کنند؛ چرا که گریه بر او گناهان کبیره را از بین می‌برد.» سپس فرمود: «زمانی که محرم وارد می‌شد، پدرم دیگر نمی‌خندید و پیوسته محزون بود تا اینکه ده روز سپری می‌شد. زمانی که روز دهم می‌رسید، آن روز، روز مصیبت و حزن و گریه‌اش بود و می‌فرمود: «این همان روزی است که حسین علیه السلام در آن کشته شده است.»

با این‌که این روایت در مقام بیان شدت تأثر امام کاظم علیه السلام است، اما اشاره به عملی غیر از گریه و حزن و ماتم نکرده است.

در هیچ یک از فرمایش معصومین علیهم السلام پیرامون فضیلت عزاداری برای امام حسین علیه السلام به امری غیر از گریه کردن توصیه نشده است. اگر روایاتی که در ثواب و پاداش تعزیه بر سالار شهیدان وارد شده، مطالعه شود، هیچ توصیه‌ای غیر از گریستن و زیارت کردن قبر مطهرشان، دیده نخواهد شد.

### بخش دوم: روایاتی که از اعمال نامتعارف نهی کرده‌اند

آنچه که اسلام را از سایر مکاتب متمایز می‌سازد، اعتدال آن در همه عرصه‌های زندگی است. دین ما با عواطف و احساسات مبارزه نکرده، بلکه آن را به عنوان بخشی از وجود انسان پذیرفته است. زمانی که ابراهیم فرزند خردسال پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، ایشان از سر ترحم گریستند، اما اجازه زیاده روی ندادند و چون مردم خورشیدگرفتگی را به مرگ فرزند ایشان مرتبط ساختند، ایشان نه تنها تأیید نکرد، بلکه به صراحت فرمود که هستی کار خود را تحت تدبیر خدا انجام می‌دهد و به مرگ فرزند من ربطی ندارد.

به همین جهت است که در روایات بسیاری از تندروی در سوگواری نهی شده است و حتی در برخی از موارد، کفاراتی چون كفاره شکستن روزه ماه رمضان و مشابه آن قرار داده شده است.

بازتاب اندیشه ۵۲

۵۲

قمه‌زنی و  
اعمال  
نامتعارف در  
عزاداری

با در نظر گرفتن ده‌ها آیه و صدها روایت، به این نتیجه خواهیم رسید که راه اسلام در گرفتاری‌ها، صبر و مقاومت است، نه جزع و فزع و بی‌تابی کردن. علاوه بر آنچه ذکر شد، روایات فراوانی وارد شده است که از زیاده‌روی در سوگواری را نهی کرده است. در این بخش برخی از آنها را ذکر می‌کنیم و علاقه‌مندان را به مطالعه منابع روایی ارجاع می‌دهیم:

۱. عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَيْسَ مِثْلًا مَنْ ضَرَبَ الْخُدُودَ وَشَقَّ الْجُيُوبَ؛ رَسُولُ خُدا ﷺ فرمود: کسی که بر گونه‌هایش بزند و یقه‌اش را پاره کند از ما نیست.

۲. عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا الْجَزَعُ؟ قَالَ: أَشَدُّ الْجَزَعِ الصُّرَاخُ بِالْوَيْلِ وَالْعَوِيلِ وَلَطْمُ الْوَجْهِ وَالصَّدْرِ وَجَزُّ الشَّعْرِ مِنَ النَّوَاصِي وَمَنْ أَقَامَ النَّوَاحَةَ فَقَدْ تَرَكَ الصَّبْرَ وَأَخَذَ فِي غَيْرِ طَرِيقِهِ الْحَدِيثُ؛ از امام باقر ﷺ سؤال کردم که جزع چیست؟ ایشان فرمودند: بدترین نوع جزع داد و فریاد کردن و واویلاگفتن و ضربه زدن به صورت و سینه و کندن موهای پیشانی است. کسی که نوحه سرایی کند صبر را ترک کرده و در غیر روش اسلام قدم برداشته است.

۳. قَالَ: وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِفَاطِمَةَ حِينَ قُتِلَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي جَعْفَرٍ: لَا تَدْعِي بَدَلَ وَلَا تُكَلِّي وَلَا حُزْنَ وَمَا قُلْتَ فِيهِ فَقَدْ صَدَقْتَ؛

زمانی که جعفر بن ابی طالب به شهادت رسید، حضرت رسول ﷺ به دخترشان فاطمه ﷺ فرمودند: در عزای جعفر با خواری و مانند مادران فرزند از دست داده و با اندوه، نوحه سرایی مکن و هر آنچه که در حال عزاداری می‌گویی، راست باشد.

در این روایت از زیاده‌روی در عزاداری حتی در مورد بزرگانی چون جعفر نهی شده است.

۴. إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لِفَاطِمَةَ ﷺ: إِذَا أَنَامْتُ فَلَا تَخْمِشِي عَلَيَّ وَجْهًا وَلَا تَرُخِي عَلَيَّ شِعْرًا وَلَا تَنَادِي بِالْوَيْلِ وَلَا تَقِيمِنِ عَلَيَّ نَائِحَةً...؛ رسول خدا به فاطمه ﷺ فرمودند: زمانی که من وفات کردم، به صورتت چنگ مزن و موهایت را پریشان مکن و صدایت را به واویلاگفتن بلند مکن و بر من نوحه مخوان.

در این روایت از زیاده‌روی در عزاداری در مورد بهترین بندگان خدا نیز نهی شده است. ایشان با اینکه می‌دانستند که مصیبتشان بر فاطمه ﷺ بسیار گران است، با این حال آن حضرت را از اعمالی که در عصر جاهلیت مرسوم بوده است، نهی کردند و از ایشان خواستند تا مراعات متانت را حتی در مرگ پدری چون رسول خدا ﷺ بنماید.

۵. عَنْ جِرَاحِ الْمَدَائِنِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: لَا يَصْلِحُ الصِّيَاحُ عَلَى الْمَيْتِ وَلَا يَنْبَغِي، وَلَكِنَّ النَّاسَ لَا يَعْرِفُونَهُ وَالصَّبْرَ خَيْرٌ؛ امام صادق ﷺ فرمود: داد و فریاد کردن بر میت سزاوار نیست، اما مردم نمی‌دانند، و حال آنکه صبر بهتر است.

۶. امام سجاده ﷺ نقل می‌کنند که شب عاشورا، همان شبی که پدرم در صبح آن به شهادت رسیدند من در خیمه بودم و عمه‌ام زینب از من پرستاری می‌کرد. پدرم در خیمه خود نشسته بودند و غلام ابوذر هم شمشیر ایشان را آماده می‌کرد. در این حال پدرم با خود این شعر را می‌خواند:

ای روزگار اُف بر تو باد

چه طلوع‌ها و غروب‌هایی بر تو شده است  
و تو چقدر از همراهان و طالبانت راکشتی  
آری روزگار به کسی راضی نمی‌شود  
و تمام امور به سوی خدا باز می‌گردد  
و هر زنده‌ای راه مرا خواهد پیمود

ایشان این ابیات را دو یا سه بار خواندند، من با شنیدن آنها فهمیدم که مقصودشان چیست. چشمانم پر از اشک شد، اما جلوی خودم را گرفتم و یقین کردم که بلا نازل شده است. اما عمه‌ام که این اشعار را شنید، به اقتضای طبیعت زنانه که دلی نازک و بی‌تابی دارند، نتوانست جلوی خود را بگیرد و از جایش جهید و درحالی‌که سرش برهنه بود و لباس خودش را می‌کشید، به سوی خیمه برادرش که در کنار خیمه ما بود، دوید. زمانی که خدمت امام رسید، عرض کرد: او ایلا ای کاش مرگ من امروز فرا می‌رسید. مادرم فاطمه، پدرم علی، برادرم حسن، همه مردند. ای یادگار گذشتگان من و ای بهترین ماندگان من. امام حسین علیه السلام به ایشان نگاه کرد و فرمود: خواهرم، مبادا شیطان بر تو چیره شود و بردباری را از تو بگیرد. چشمان امام پر از اشک شد و فرمود: خواهرم اگر مرغ صحرا رها می‌شد، در لانه خود می‌خوابید. عمه‌ام گفت: آیا تو خودت را به گرفتاری می‌اندازی؟! گرفتاری تو قلب مرا بیش از هر چیزی مجروح ساخته است و تحمل آن از هر چیزی سخت‌تر است. این را گفت و به صورتش زد. دستش را در گریبان کرده و یقه‌اش را پاره کرد و غش کرد و بر زمین افتاد. پدرم بلند شد و آب به صورت خواهرش زد و گفت: خواهر عزیزم از خدا بترس و در گرفتاری که خدا برایمان پیش آورده است، صبور باش و بدان که همه اهل زمین خواهند مرد و اهل آسمان نیز باقی نخواهند ماند. همه چیز غیر از خدا از بین خواهد رفت. همان خدایی که تمام مخلوقات را با قدرتش آفرید و آنها را برانگیخت و آنها دوباره به سوی او باز می‌گردند و او تنهاست.

پدرم بهتر از من بود، مادرم بهتر از من بود، برادرم بهتر از من بود و برای من و برای هر مسلمانی رسول خدا سرمشق پسندیده‌ای است. امام با این تعبیرات عمه‌ام را تسلی داد و گفت: خواهر تو را قسم می‌دهم و از تو می‌خواهم که قسم را نادیده نگیری، زمانی که من به شهادت رسیدم برای من گریبان چاک مکن، به صورتت چنگ مزن، صدایت را به او ایلا بلند مکن. سپس عمه را آورد و در کنار من نشاند و خود به نزد اصحابش رفت....

این روایت از جهاتی با تمام روایات سابق تمایز دارد؛ زیرا در مورد سوگواری برای حساس‌ترین شخصیت‌ها وارد شده است.

بازتاب اندیشه ۸۵  
۵۶  
قلم‌زنی و  
اعمال  
نامتعارف در  
عزاداری

به نظر می‌رسد که این روایت و روایت چهارم جواب کاملی است برای همه شبهاتی که در این باب مطرح می‌شود و روشن می‌کند که حتی در عزای امام حسین علیه السلام نیز نباید اعمال منافی با متانت انجام داد و صرف این که زنان حاضر در کربلا، اقدام به لطم و امثال آن کرده‌اند، دلیل بر جواز نمی‌شود؛ زیرا این عمل نتیجه شرایط بسیار دشواری است که بر آنها تحمیل شده بود و آنها نیز طبق طبیعت زنانه خودشان بی‌تابی کرده‌اند. در این روایت، امام حسین علیه السلام خواهرش را قسم می‌دهد و از او می‌خواهد که قسمش را نشکنند و به آن عمل کنند. از او می‌خواهد که گریبان پاره نکند، به سر و صورت خود نزند، صدایش را بلند نکند و صبور باشد.

با این بیان روشن می‌شود که مقتضای حکم اولیه در مورد قمه‌زنی و هر نوع عمل نامتعارف در عزاداری‌ها حرمت است. با این حال، به جهت اینکه برخی از علما ادله‌ای را در تأیید و تأکید استحباب قمه زنی و لطم و سایر مصادیق خودزنی ارائه کرده‌اند، لازم است به نقد و بررسی آنها پردازیم.

#### بخش سوم: روایاتی که دلالت بر جواز می‌کنند

به فقراتی از این روایات که از ناحیه مقدسه امام معصوم علیه السلام صادر شده است برای تأیید لطم استفاده شده است؛ از این رو به بررسی این فقرات می‌پردازیم:

وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِدًا إِلَى خِيَامِكَ قاصداً محمماً بأكياً فلما رآين النساء جوادك مخزياً و نظرن سرجك عليه ملوياً برزن من الخدور ناشرات الشعور على الخدود لاطمات للوجوه سافرات وبالعويل داعيات و بعد العز مُذلات والى مصرعك مبادرات والشمر جالس على صدرك.

اسب با سرعت به سوی خیمه‌ها فرار کرد، درحالی که شیهه می‌کشید و گریه می‌کرد. هنگامی که زنان اسب تو را در آن حال پریشان یافتند و زین آن را عاری از تو دیدند، از خیمه‌ها بیرون ریختند درحالی که موهای خود را پریشان کرده بودند، با دست بر صورتشان می‌زدند، روبنده‌هایشان افتاده بود و صدایشان به او یلا بلند شده بود. بعد از عزت به ذلت افتادند و به سوی مقتل تو می‌دویدند. در همان حال شمر روی سینه تو نشسته بود....

فقرات اخیر دلالت می‌کند که زنان حرم بعد از شهادت حضرت امام حسین علیه السلام موهایشان را پریشان کردند و بر صورت خود لطمه زدند و این گویای جواز این اعمال در عزاداری برای آن حضرت است.

مورد دیگری که برخی به آن استدلال کرده‌اند، سرشکستن حضرت زینب علیه السلام است. اولاً، نقل حوادث عاشورا توسط امام معصوم علیه السلام در زیارت ناحیه مقدسه دلیل بر تأیید آن حوادث نیست. امام در حال مرثیه‌سرایی است و می‌خواهد اوج مظلومیت سیدالشهدا را بیان

کند، نه اینکه حکم فقهی کیفیت عزاداری زنان حرم را بگوید.  
ثانیاً، عملکرد زنان شهدا حجت شرعی نیست، خصوصاً در فضای آشفته‌ای که در آن لحظات پیش آمده بود.

آیا می‌توان در آن فضای تیره و آشفته از عملکرد زنان حرم حکم شرعی استنباط کرد؟ آنان در مقام اضطرار بودند، تمام فشار دنیا در یک لحظه به قلب ایشان وارد شده بود، اگر کسی در چنان وضعی قرار گرفت همان کارها را انجام دهد، اما نمی‌توان عملکرد او را مجوزی برای انجام همان کارها در وضعیت طبیعی و عادی قرار داد.

ثالثاً، دلیلی وجود ندارد که نشان دهد حضرت زینب علیها السلام نیز مانند بقیه زن‌ها به سر و صورت خود زده باشد، در مقاتل نیز نوشته‌اند که شخص حضرت زینب علیها السلام چنین کاری کرده باشد، بلکه در زیارت ناحیه و در مقاتل به صورت کلی آمده است که زنان حرم این کار را کردند.

برخی می‌گویند: امام سجاد علیه السلام در کنار زنان حرم بود، اگر کار آنها اشتباه بود، آنان را نهی می‌کرد! به راستی در آن لحظات آشوب و اضطراب سهمگین از امام که رنجور و در گوشه‌ای افتاده بود چه انتظاری می‌توان داشت؟ علاوه بر اینکه اساساً رفتار زنان حرم در آن شرایط رفتار بدی نبود تا امام از آن جلوگیری کند.

#### امام معصوم و پاره کردن لباس

یکی از بهترین ادله‌ای که می‌تواند دلیل حلیت رفتارهای نامتعارف در عزاداری باشد، روایاتی است که دلالت می‌کند که امام حسن عسکری علیه السلام در عزای پدر بزرگوارشان لباس خود را از پشت و جلو پاره کردند:

زمانی که علی بن محمد علیه السلام وفات کرد، امام حسن عسکری علیه السلام دیده شد که از خانه خارج می‌شود در حالی که پیراهنش از جلو و عقب پاره شده بود.

فعل امام علیه السلام اگر چه بر اباحه این عمل دلالت دارد، اما دلیل بر استحباب آن نیست؛ زیرا اگر عمل مذکور مستحب بود سایر ائمه آن را ترک نمی‌کردند. از این رو حتی با عمل امام حسن عسکری نیز استحباب آن ثابت نمی‌شود؛ زیرا برخی از اوقات ائمه کارهایی را انجام می‌دادند تا تنها به دیگران بفهمانند که این عمل حرام نیست.

در هیچ یک از روایاتی که اشاره به پارگی پیراهن امام شده، کمترین اشاره‌ای به بی‌تابی و یا جنوع و فرع امام نشده است. همه اینها دلالت بر آن دارد که ایشان نه به جهت شدت هیجانان ناشی از مصیبت مرگ پدر این کار را کرده باشند، بلکه تنها به عنوان نمادی برای ابراز عزا چنین کرده‌اند.

## آخرین روایت

یکی از مدعیان حقیقت مظلوم روایاتی را نقل می‌کند با این مضمون «فعلى مثل الحسين فلتلطم الخدود» این روایت با وجود جستجوهای فراوان به صورت نقل شده یافت نشد، بلکه روایاتی با تعبیر «فعلى مثل الحسين فلیبک الباکون» وجود دارد که پیش‌تر به آن اشاره شد. تنها یک روایت در این زمینه از امام صادق علیه السلام نقل شده که در پایان آن آمده است: و قد شققن الجيوب ولظمن الخدود الفاطمیات علی الحسین بن علی علیه السلام و علی مثله تلطم الخدود و تشق الجيوب؛ و دختران فاطمه علیها السلام در سوگ حسین بن علی علیه السلام پیراهن‌های خود را پاره کردند و بر صورت خود لطمه زدند و البته در سوگ مثل حسین علیه السلام بر صورت‌ها لطمه زده می‌شود و گریبان‌ها پاره می‌گردد.

استدلال به این روایت از چند جهت مخدوش است:

اولاً: این مطلب تنها در خلال یک روایت آمده است و نمی‌تواند در برابر روایات فراوانی که ذکر شد، و بر تحریم دلالت می‌کنند، مقاومت کند.

ثانیاً: مقصود امام آن است که در وضعیت آشفته کربلا طبیعی بود که زن‌ها پیراهن پاره کنند و بر صورت خود لطمه بزنند. دلیل این تفسیر آن است که هیچ یک از زنان حرم، بعد از واقعه عاشورا و یا در سالگرد آن، لباس پاره نکردند و به سر و صورت خود نزد.

ما از پذیرش این تفسیر ناگزیر هستیم؛ زیرا در روایتی امام حسین علیه السلام این‌گونه اعمال را تحریم کردند و از خواهرشان خواستند تا بر سر و صورت خود نزنند.

گذشته از این، بیان تحریم لطم در آغاز روایت و ذکر این مسأله در پایان روایت به معنای بیان شدت فاجعه کربلاست که برخی از محرمات را حلال کرد و تکلیف را در آن شرایط بحرانی از دوش مصیبت‌دیدگان برداشت.

## نتیجه‌گیری

روشن شد که برخلاف تصور رایج در مورد قمه‌زنی و امثال آن، حرمت این اعمال حکم ثانوی نیست، بلکه در مرحله نخست مبتنی بر حکم اولی است و اگر در گذشته برخی از علما بر اساس ضرورت‌های ثانوی، فتوا به جواز داده‌اند، امروزه چون نه عاشورا تهدید به انکار می‌شود و نه تعطیلی قمه‌زنی ضربه‌ای به رونق عزاداری می‌زند، حکم ثانویه منتفی شده و این مسائل به همان حکم اولیه خود باز می‌گردند. پس همه این اعمال اعم از قمه‌زنی، لطم، چنگ زدن به صورت، کوبیدن سر به در و دیوار و امثال آن، اعمال خلاف شرع مقدس اسلام هستند و حتی برخی از این اعمال موجب کفاره نیز می‌شوند.

حسین سیدالطهر

نویسنده محترم که یکی از دوستداران سیدالشهدا<sup>ع</sup> و دلسوزان مسائل فرهنگی - مذهبی جامعه است و پیداست که هدفی جز روشنگری و اصلاح ندارد در این مقاله نگاهی جامع به اقسام و ابعاد مسأله عزاداری نداشته و با خلط عزاداری برای ائمه<sup>ع</sup> با دیگر عزاداری‌ها، سعی کرده است حکم واحدی برای آنها استنباط کند.

نویسنده محترم، نیمه دوم مقاله را (۱۶ صفحه) به بررسی حکم قمه زنی اختصاص داده و به نقل برخی فتاوا و نظرات فقها در این زمینه پرداخته و بر حرمت آن تأکید کرده است که ما در صدد نقد این قسمت نیستیم، تنها هدف این نوشتار نقد قسمت اول مقاله است که ۱۸ صفحه نخست بدان اختصاص یافته است. در این قسمت مقاله، نویسنده دو ادعا را به وضوح مطرح کرده و در سراسر نوشتار خود بر آن تأکید کرده است:

اول آن که در روایات، درباره عزاداری بر امام حسین<sup>ع</sup> هیچ گونه توصیه‌ای به جز گریه بر ایشان نشده است.

دوم آن که انجام دادن اعمالی که به اصطلاح ایشان نامتعارف و مخالف متانت است، مانند لطم (به سر و صورت و سینه زدن) گریبان چاک زدن و کوبیدن سر به دیوار، مطلقاً حتی در عزاداری سالار شهیدان<sup>ع</sup> حرام است و باید ترک شود.

نویسنده حکم مصادیق دیگر عزاداری برای سالار شهیدان<sup>ع</sup> غیر از گریه را از حکم قمه زنی جدا نکرده و تمام اعمال یاد شده را حرام و خلاف شرع دانسته و با تأکید بسیار در جای جای مقاله بر آن اصرار ورزیده و تلاش کرده است که حرمت آنها را به ائمه<sup>ع</sup> نسبت دهد.

اما روایاتی که در بیان جواز و استحباب برخی اعمال غیر از گریه، وارد شده است، بسیار است. این قبیل روایات را می‌توان به دسته‌های متعددی تقسیم کرد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

دسته اول: روایات استحباب جزع در مصیبت سیدالشهدا و اهل بیت<sup>ع</sup>

هر چند نویسنده، عمده مباحث خود را بر تحریم برخی مصادیق جزع همچون لطم و مانند آن حتی در عزای امام حسین<sup>ع</sup> متمرکز ساخته، از برخی عبارات نویسنده چنین به نظر می‌رسد که ایشان جزع را به‌طور مطلق حتی در عزای ائمه<sup>ع</sup> و سیدالشهدا<sup>ع</sup> جایز نمی‌داند: «با در نظر گرفتن ده‌ها آیه و صدها روایت، به این نتیجه خواهیم رسید که راه اسلام در گرفتاری‌ها، صبر و مقاومت است، نه جزع و فزع و بی‌تابی کردن.»

بدین رو لازم است ابتدا جزع را تعریف و اقسام آن را ذکر کرده و سپس برخی روایات و فتاوی استحباب جزع بر امام حسین<sup>ع</sup> را ذکر نماییم:

تعریف جزع و مصادیق آن



جزع در لغت به دو معنای بریدن و بی‌صبری کردن آمده است،<sup>۱</sup> هر چند برخی معنای اصلی آن را بریدن و قطع کردن دانسته و معنای دوم را به آن برگردانده‌اند،<sup>۲</sup> به این‌گونه که انسان جزع‌کننده از تداوم صبر و طمأنینه دست برداشته، آن را قطع می‌کند. در هر صورت، مسلم آن است که جزع کردن در مصیبت به معنای بی‌تابی است.<sup>۳</sup> و این بی‌تابی هر گونه که آشکار شود، جزع به شمار می‌رود؛ حضرت یعقوب علیه السلام از فراق یوسف علیه السلام آن قدر گریه می‌کند که بینایی چشمان خود را از دست می‌دهد «وایضت عیناه من الحزن»<sup>۴</sup> و بی‌تابی او به حدی است که فرزندان او از آن می‌ترسند که پدرشان در فراق یوسف علیه السلام جان خود را از دست بدهد و به او می‌گویند: «تالله تفتؤا تذکر یوسف حتی تکون حرضاً او تکون من الہالکین»<sup>۵</sup>. امام زمان (عج) در مصیبت جدش امام حسین علیه السلام به جای اشک خون می‌گرید «ولأبکین لک بَدَلُ الدُّمُوعِ دَمًا»<sup>۶</sup> و حضرت فاطمه علیہا السلام از گریه و ناله در فراق پدر، اهل شهر را به ستوه می‌آورد. همچنین است گریه‌های بی‌دریغ حضرت زین العابدین علیه السلام که تا آخر عمر بر مظلومیت پدر بزرگوار و اهل بیتش اشک می‌ریزد و هر آب و غذایی که پیش رویش می‌نهند، می‌گرید تا آن حد که خادم او عرض می‌کند: فدایت شوم می‌ترسم جانم را از دست بدهی. و حضرت یوسف علیه السلام نیز در زندان از فراق یعقوب علیه السلام چنان ناله می‌کند که اهل زندان به ستوه آمده و می‌گویند یا شب گریه کن و یا روز. اینها همه مصادیق روشنی از بی‌تابی هستند که وصف آنها از قوه فهم و توان بیان بیرون است.<sup>۷</sup>

بنابراین نمی‌توان گفت که جزع به‌طور کلی خلاف شرع است، بلکه مصائب به دو قسم خلقی و الهی و جزع در آنها نیز به سه قسم قابل تقسیم است که برخی از اقسام آن حرام و برخی مکروه و برخی مستحب است:

### اقسام جزع و احکام آنها

جزع از حیث حکم به؛ حرام، مکروه و مستحب تقسیم می‌شود. و از حیث موضوع نیز به سه قسم قابل تقسیم است:

الف) جزعی که از روی نارضایتی به قضا و قدر الهی صورت گیرد:

چنین جزعی قطعاً حرام است حتی اگر در مصیبت اولیای خدا باشد؛ زیرا عدم رضایت به قضای الهی استثنا بردار نیست و به هر شکل و از هر کسی رخ دهد، حرام است و از اعمال جاهلیت به شمار می‌رود؛ فقها نیز بر آن اتفاق نظر دارند، بلکه هیچ مسلمانی یافت

۱. معجم مقاییس اللغة

۲. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۸۰، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۹۴

۳. قاموس قرآن، ج ۲، ص ۲۴، ۴. یوسف، ۱۲: ۸۴، ۵. یوسف، ۱۲: ۸۵

۶. بحار الاتوار، ج ۹۸، ص ۳۲۰ (زیارت ناحیه مقدسه)

۷. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸۰، ح ۳۶۵۵، بحار الاتوار، ج ۱۲، ص ۲۶۴، الأمالی للصدوق، ص ۱۴۰، ح ۵؛

مکارم الاخلاص، ص ۳۱۵؛ کشف الغمّة، ج ۱، ص ۴۹۸

نمی‌شود که چنین عملی را حلال بدانند.

ب) جزعی که در مصیبت‌های عادی و برای فرونشاندن غم و غصه شخصی صورت می‌گیرد: در این نوع از جزع، هر چند نارضایتی از قضای الهی در کار نیست، اما هدف و جهت الهی هم ندارد. چنین جزعی نیز به‌طور مطلق حرام نیست، بلکه به اتفاق فقها مکروه است، مگر برخی مصادیق جزع که بر حرمت آنها به جهت وجود دلیل خاص، همچون کندن مو، لطمه و خراش وارد کردن بر سر و صورت، همچنین گریبان چاک کردن مگر در مواردی همچون مرگ برادر، ادعای اجماع شده است؛ هر چند برخی مانند آیت الله خوئی<sup>۱</sup> ادله حرمت مصادیق یادشده را ضعیف<sup>۱</sup> و امام خمینی<sup>۲</sup> نیز تنها احتیاط را در ترک این امور<sup>۲</sup> دانسته است.

در چنین مواردی توصیه شریعت این است که انسان نفس خود را مهار و با تسلیم به قضا و قدر خداوند متعال، بر آن مصیبت صبر کند و از این شکیبایی اجر برد؛ زیرا تنها این‌گونه می‌توان از مصیبت پیش‌آمده برای قرب پروردگار، بهره جست. بنابراین تمام روایاتی که به نگوشت جزع در مصیبت‌ها پرداخته و حتی کفارہ نیز بر آنها قرار داده‌اند، بر اقسام یاد شده، حمل می‌شوند.

ج) جزعی که در مصیبت اولیای خدا، برای اظهار خشم و غضب بر دشمنان و برائت جستن از کردار و رفتار آنان و بروز محبت به اولیای الهی - که در حقیقت همان محبت به خداوند است - صورت می‌گیرد:

چنین جزعی - که جزع بر سیدالشهدا<sup>۳</sup> نیز از بارزترین مصادیق آن است - مستحب و از عبادت‌های بزرگ شمرده می‌شود؛ چون اولاً مصیبت و جبهه الهی دارد و ثانیاً نیت جزع‌کننده فرونشاندن غم و غصه خود نیست، بلکه بی‌تابی کردن در مصیبت ولی خدا و به قصد اظهار نفرت از ظلم ظالمان و اعلان آن به جهانیان و زنده نگاه داشتن بزرگی و عظمت صاحب مصیبت و ظلم انجام شده است. بنابراین لطمه زدن به سر و صورت، سینه‌زنی، زنجیرزنی، فریاد کشیدن و نالیدن، و مانند آن، حتی اگر با درد شدید همراه شود و به کبود شدن یا آمدن خون منجر گردد، اگر به حد جنایت بر نفس نرسد، نه تنها حرام یا مکروه نیست، بلکه مصداق تولی و تبری بوده و از بهترین عبادت‌ها و دارای برترین پاداش‌هاست. در این زمینه لازم است ابتدا اشاره‌ای به برخی از روایاتی که دلالت بر استحباب جزع بر سیدالشهدا<sup>۳</sup> دارند، داشته باشیم و سپس برخی فتاوا را نقل کنیم:

روایات:

امام صادق<sup>۴</sup> می‌فرماید: «هر جزع و گریه‌ای مکروه است، مگر جزع و گریه بر

بازتاب اندیشه ۸۵

۶۲

قمه‌زنی و  
اعمال  
نامتعارف در  
عزاداری

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۹۳

۱. التفتیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۹، ص ۳۴۶

صاحب جواهر این حدیث را «حسنه» نامیده و بر اساس آن و دیگر احادیث مشابه که به برخی اشاره کرده و به ضمیمه سیره مستمره شیعیان و متدینان، به جواز جزع بر امام حسین علیه السلام حکم کرده و حتی بر جواز مصادیق جزع همچون لطمه زدن بر صورت و سینه‌زنی و فریاد و پل کشیدن و کندن مو - که آقای اکبر نژاد در صدد انکار جواز آنهاست - تصریح کرده است.<sup>۲</sup> در انتهای روایت مشابهی «فإنه فیه مأجور»<sup>۳</sup> آمده که بر استحباب ظهور دارد.

امیر المؤمنین علیه السلام هنگام دفن پیامبر صلی الله علیه و آله بر سر قبر او فرمود: «به راستی صبر نیکو است، مگر در مورد شما و همانا جزع قبیح است، مگر بر شما» (یعنی در مصیبت شما)<sup>۴</sup> روایات در این زمینه بسیار است، روایت مسمع بن عبدالمک از امام صادق علیه السلام،<sup>۵</sup> در عبارات دعای معروف ندبه آمده است: فریاد و شهقه امام صادق علیه السلام بر سر قبر امام علی علیه السلام،<sup>۶</sup> و مانند آنها به روشنی دلالت دارند که علاوه بر گریه، جزع بر ابا عبدالله و معصومان علیهم السلام مستحب است و خوشنودی اهل بیت علیهم السلام و اجر الهی را در پی دارد. در نتیجه، این‌گونه نیست که در روایات تنها گریه کردن بر آن حضرت مطرح شده باشد. و اینها همه نشانگر فوق‌العادگی و استثنایی بودن مصیبت سالار شهیدان است.

#### فتاوا

- ترجمه فتوای آیت الله خویی علیه السلام: «لطمه زدن از روی حزن و اندوه در مصیبت امام حسین علیه السلام هر چند شدید باشد، از شعائر مستحب است، از این جهت که تحت عنوان جزعی قرار دارد که نصوص معتبر بر رجحان (یعنی استحباب) آن دلالت دارند. گرچه (این جزع و لطم) برخی اوقات به خون آمدن یا کبود شدن سینه بینجامد. هیچ دلیلی بر حرمت وارد کردن هر گونه ضرری بر جسم، وجود ندارد، البته تا وقتی که به حد جنایت بر نفس نرسد؛ به‌گونه‌ای که ظلم به آن محسوب گردد، همچنان که اجتماعی بودن یا نبودن عزاداری مناط حرمت یا اباحه آن نیست و در مقام استدلال ارزشی ندارد. والله العالم»<sup>۷</sup>

- ترجمه آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی علیه السلام: «هیچ اشکال و تردید و اختلافی در بین شیعه امامیه نیست که لطم و پوشیدن سیاه از شعائر اهل بیت علیهم السلام است و از مصادیق آشکار آیه

۱. الامالی للطوسی، ص ۱۶۱، ح ۲۶۸؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸۲ و ج ۱۴، ص ۵۰۵، ح ۱۹۶۹۹؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۰ و ج ۴۵، ص ۳۱۳، ح ۱۴
۲. جواهر الکلام، ج ۴، ص ۳۷۱
۳. کامل الزیارات، ص ۱۰۰، ح ۲؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۱، ح ۳۲؛ جامع احادیث الشیعه، ۵۵۷/۱۲
۴. نهج البلاغه، ص ۵۲۷، حکمت ۲۹۲؛ غرر الحکم، ص ۱۰۹، ح ۱۹۴۶
۵. کامل الزیارات، ص ۱۰۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۷، ح ۵۰۷؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶
۶. فرحة القرى، ص ۹۲؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۳۵
۷. صراط الجناة (للخوئی مع حواشی التبریزی)، ج ۳، ص ۴۴۳

«ذلک و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب»<sup>۱</sup> [و هر کس شعائر الاهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست] همچنان که از مظاهر جزعی است که نصوص بسیار بر رجحان (استحباب) آن در مصایب اهل بیت علیهم السلام و مجالس عزاداری آنان دلالت دارد. و هر کس به تضعیف این شعائر تلاش کند و یا از اهمیت آن در بین جوانان شیعه بکاهد، پس اول در حق اهل بیت علیهم السلام گناه کرده و روز قیامت از گمراهی که در مردم از جهت ظلم‌هایی که به ائمه علیهم السلام روا شده، به وجود آورده، مسئول خواهد بود. خداوند مؤمنان را بر ایمان و ولایت ثابت قدم نماید و او است که به سوی راه راست هدایت می‌کند.<sup>۲</sup>

دسته دوم: استحباب لطمه (سینه‌زنی، زنجیر زنی و زدن به صورت) و گریبان چاک زدن در مصیبت سیدالشهدا و اهل بیت علیهم السلام

نویسنده محترم کراراً بر عدم مشروعیت لطم تأکید ورزیده و تلاش نموده برخی روایات را که بر جواز لطم و مانند آن دلالت دارند، تضعیف یا توجیه نمایند؛ در حالی که چنین برداشتی خلاف نصوص و فتاوی مراجع عالی قدر شیعه در طول تاریخ اسلام است و هیچ یک از فقها و مراجع، لطم بر حضرت سیدالشهدا علیه السلام و دیگر معصومان را حرام ندانسته، بلکه بر استحباب آن تصریح و تأکید کرده‌اند. حتی برخی از فقها این اعمال را برای شهدای جنگ نیز جایز دانسته‌اند.<sup>۳</sup>

روایات متعددی نیز بر استحباب لطم بر سیدالشهدا علیه السلام دلالت دارند، از جمله روایت ابن سدر از امام صادق علیه السلام است که از لطمه فاطمیات بر آن حضرت خبر داده و آن را تأیید و تحسین کرده و فرموده بر مثل حسین علیه السلام برگونه‌ها زده می‌شود و گریبان‌ها چاک می‌شود: «... و قد شقن الجيوب و لظمن الخدود الفاطمیات علی الحسین بن علی علیه السلام و علی مثله تلطم الخدود و تشق الجيوب»<sup>۴</sup> همچنین فقراتی از زیارت ناحیه مقدسه «لاطمات لولوجه... و لطمت علیک الحور العین و بکت السماء و سکانها»<sup>۵</sup> و مانند آنها دلالت دارند.

#### فتاوا

آیت الله نائینی علیه السلام درباره مسائل عزاداری سیدالشهدا علیه السلام فتوای معروفی دارد که پس از او مراجع عالی قدر بسیاری آن فتوا را تأیید کرده و درستی مطالب آن را از واضحات شریعت دانسته‌اند که هیچ تردیدی در آن نیست. بخشی از متن این فتوای تاریخی و تأییدات برخی مراجع بزرگ را ذیل آن نقل می‌کنیم:

«... بر سر و سینه و صورت زدن به حدی که به مرتبه سرخی عضو یا سیاهی رسد

بازتاب اندیشه ۸۵

۶۳

قمه زنی و  
اعمال  
نامتعارف در  
عزاداری

۱. الحج، ۲۲: ۳۲. ۲. الاتوار الإلهیة (آیت الله شیخ جواد تبریزی)، ص ۱۵۲

۳. اجوبة الاستفتائات، ج ۱، ص ۳۹، س ۲۴۱

۴. تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۳۲۵، ح ۲۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۴۰۲، ح ۲۸۸۹۴؛ بحار الاتوار، ج ۱۳، ص

۳۶۴، ح ۵؛ عوالی اللآکی، ج ۳، ص ۴۰۹، ح ۱۵. ۵. بحار الاتوار، ج ۹۸، ص ۳۲۰

اشکالی ندارد، بلکه زنجیر زدن بر شانه و پشت که به مرتبه مزبور رسد جایز است، بلکه اعمال مذکور، بر سر و سینه و صورت زدن موجب شود که خون کمی از عضو صدمه دیده بیرون آید عیب و اشکالی ندارد...» (حرره الاحقر محمد حسین الغروی النائینی، ۵/ ربیع الاول/ ۱۳۴۵ ق)<sup>۱</sup>

در کتاب «الدعاه الحسینیه» فتاوای مراجع بسیاری را آمده است که همه در تأیید فتوای مرحوم النائینی سخن گفته و بر مشروعیت و استحباب سینه زنی و امثال آن تأکید کرده اند، لکن به جهت رعایت اختصار، فقط به ذکر نام آن بزرگان بسنده می کنیم: آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی، آیت الله سید جمال الدین موسوی گلپایگانی، آیت الله العظمی سید محسن طباطبایی حکیم، آیت الله العظمی سید محمود شاهرودی، آیت الله العظمی سید ابوالقاسم موسوی خوئی، آیت الله العظمی سید احمد خوانساری، آیت الله سید محمد حسینی شاهرودی، آیت الله سید محمد حسین موسوی حمای، محمد حسین آل کاشف الغطاء، آیت الله شیخ محمد حسین مظفر، آیت الله شیخ محمد باقر آشتیانی، آیت الله شیخ هاشم آملی، آیت الله محمد کاظم شیرازی.

دسته سوم: استحباب نوحه سرایی بر امام حسین و معصومان علیهم السلام.

دسته چهارم: نپوشیدن عبا، عمامه و کفش در عزاداری

درباره این سه دسته نیز روایات و فتاوای بسیاری از فقهای طراز اول اسلام وجود دارد که استحباب آنها در عزاداری سیدالشهدا علیه السلام را اثبات می کنند، هر چند که در غیر مصائب ائمه علیهم السلام وجوه حرام یا مکروه نیز دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. نججوانی، آیت الله محمد علی، الدعاه الحسینیه، (به ضمیمه فتاوای مرجع عالی قدر پیرامون عزاداری

سیدالشهدا علیه السلام)، ص ۱۰۵-۱۰۸